



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۳/۰۱

نوشته: غوث جانباز

به تاریخ ۲۴ فبروری پوره یکسال از آغاز عملیات نظامی روسیه در اوکراین سپری گردید

روسیه در سطح رسمی، در آغاز عملیات خاص خود در این کشور دسترسی به دو هدف اساسی را در اوکراین اعلام نموده بود:

۱. غیر نظامی ساختن اوکراین
۲. غیر نازی ساختن اوکراین

در این شکی نیست که در نتیجه عملیات خاص، گسترده و بی سابقه روسیه در اوکراین بالای امکانات و ظرفیت های سیاسی، نظامی، اقتصادی... این کشور شدید ترین ضربات وارد گردید. سال های متمادی و به مصارف عظیم بشری و مادی نیاز خواهد بود تا اوکراین حداقل به حال بیاید. بنابراین، می توان گفت که مسکو توانست به حد کافی قوه نظامی و حاکمیت سیاسی رژیم حاکم اوکراین را (روسیه آنرا حلقه شیطانی و نازی می نامد) متضرر و تضعیف نماید.

هدف دیگر این عملیات (ظاهراً درجه دوم) را ایجاد دهلیز از شرق اوکراین (حوزه دانباس) به شبهه جزیره کریمیا تشکیل میداد. مسکو با ایجاد این دهلیز بالاخره توانست کریمیا را از محاصره اقتصادی و مخصوصاً تأمین آب آشامیدنی نجات داد.

سواحل بحیره ستراتیژیک آزوف نیز کاملاً در تصرف قوای رسیده درآمده است، و قوای روسیه مواضع خود را در در هر دوی این نقطه با قوت تمام تحت کنترل خویش دارد.

با اینهمه، مبرهن است که نیروی نظامی روسیه حین پیشروی در عمق قلمرو اوکراین با دشواری ها و پیچیدگی های معین و متعدد روبرو گردیده است.

به این دشواری ها به طور اجمالی به شرح ذیل اشاره می شود:

- در ساختار های برخی از تسلیحات پیشرفته روسیه از پرزه جات و تکنالوژی کشور های غربی، به شمول کشورهایائیکه در حال حاضر در لست دولت "غیر دوست" هستند و عملاً در حمایت از اوکراین ایستاده اند، کار گرفته می شد؛

- عده ای از قطعات حربی روسیه حین ورود به جبهه های داغ جنگ آمادگی شاید و باید را از نظر تجهیزات، تسلیحات، معلومات کشفی، روحیات مردم محل... نداشتند؛

- این در حالیکه اوکراین مدتها قبل (حداقل از سال ۲۰۱۴) به اینسو احضارات عمومی (سفر بری)، به شمول تطبیقات تسلیحات مختلف النوع (زمینی و هوایی) و پیاده نظام را با استفاده از شیوه های جنگ معاصر (بیشتر میتود های معمول در کشور های عضو پیمان ناتو) به طور گسترده و برنامه ریزی شده، تمرین نمود. سفربری های که قبلاً چند بار تمرین شده بود، به قوای مسلح اوکراین فرصت داد تا از ریزرف های بشری خود به طور فعال و موبایل در مناطق مختلف کشور استفاده نماید. از سال ۲۰۱۴ الی فبروری ۲۰۲۲ الی یک میلیون اوکرائینی به سفربری ها و تطبیقات حاضر شده و تمرینات لازم حربی را سپری نمودند.

- روسیه صرف در نیمه دوم، سال اول نبرد ها به سنگینی و چگونگی وضعیت در میدان جنگ پی برده، بند و بست سفربری ها را گرفته و تغییرات بنیادی را در ستراتیژی و تکتیک جنگی وارد نمود. آگاهان مسایل نظامی سپردن

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

مجدد قوماندانی و رهبری عمومی عملیات نظامی در اوکراین را به دست جنرال "والیری گیراسیموف" اقدام بجا و عقلانی می شمارند. والیری گیراسیموف شخصیت برجسته و آگاه از فنون و علوم حرب بوده و یک افسر اکادمیک به شمار می رود. این اوصاف جنرال گیراسیموف مخالفین او در داخل و خارج از روسیه تأیید می نمایند.

- عدم سنجش و ارزیابی عینی و دقیق از روحیات حاکم در جامعه اوکراین، معلومات نامکمل، ناقص استخباراتی در باره ظرفیت های حربی قوای مسلح اوکراین؛

- تلفات در شروع عملیات...

- عدم آمادگی قوای نظامی بحری روسیه در بحیره سیاه، باعث تلفات میان پرسونل نظامی قوای بحری و تخریب کشتی های حربی این کشور گردید؛

- در عملیات روسیه پیوسته از "واگنر" به حیث کمپنی خصوصی نظامی نام برده می شود. آگاهان امور در این مورد ادعا دارند که در اصل هیچگونه کمپنی خصوصی نظامی وجود فزیکي نداشته و این "کمپنی" در واقعیت قطعه ای خاص و به تمام معنی مجهز و مدرن بوده و بخشی از تشکیلات ریاست عمومی کشف اردو می باشد. قطعه "واگنر" تحت امر دفتر لوی درستیز اردوی روسیه (جنرال گیراسیموف) قرار دارد. "یفگینی پریگوژین" قوماندان مشهور قطعه "واگنر" در واقعیت منسوب اداره عمومی کشف نظامی اردوی روسیه بوده و تحت همین نام داخل معرکه گردیده است.

واقعیت این است که "یفگینی پریگوژین" قوماندان قطعه نهایت موثر، مجهز، مهم و تهاجمی در ترکیب اداره عمومی کشف نظامی قوای مسلح روسیه می باشد. این قطعه خاص منحصر و محدود به کدام واحد و جزواتم معین نظامی نبوده، در ترکیب آن همه انواع و هسته های نظامی شامل اند.

تا جائیکه دیده می شود مرکز اساسی سیاسی تصمیم گیرنده در رابطه به چگونگی پیشبرد عملیات خاص نظامی در اوکراین را شورای امنیت روسیه به دوش دارد. لوی درستیز و سایر قوماندان های حربی بیشتر فعالیت های اوپراسیونی را مستقیماً در میدان های جنگ به عهده دارند

در ترکیب مرکز اساسی سیاسی (ستراتیژیک) تصمیم گیرنده، یا همان شورای امنیت ذوات ذیل عضویت دارند : ولادیمیر پوتین (رئیس جمهور)، نیکولای پاتروشیوف (منشی شورای امنیت)، سیرگئی لاوروف (وزیر خارجه)، سیرگئی شونیکو (وزیر دفاع)، الکساندر بورتنیکوف (رئیس اداره فدرالی امنیت روسیه)

اهداف (اساسی) را که روسیه با آغاز نمودن عملیات نظامی در اوکراین دنبال می نمود (می نماید) می توان مشروطاً به شرح ذیل برآورده شوند :

اهداف ستراتیژیک

- تسخیر شهر کئیف، پایتخت اوکراین؛

- تغییر حاکمیت سیاسی (آنچه مسکو غیر نازی ساختن اوکراین مینامد).

۲. اهداف متوسط

- تحت کنترل درآوردن سواحل بحیره سیاه (شاخه اوکراین)؛

- ایجاد دهلیز الی سواحل دریای "دنیستر" و جمهوری خود مختار "پریدنیستروی". با آنکه "پریدنیستروی" در اراضی دولت ملداویا موقعیت دارد، اکثریت آرای این جمهوریت از نظر اتنیکی روس بوده، یا روسی زبان می باشد. در اراضی "پریدنیستروی" پایگاه نظامی نسبتاً استحکام یافته روسیه قرار دارد.

- تحت کنترل درآوردن بندرهای بحری اوکراین در شهرهای : هیرسون، نیکولایف و ادیسه.

۳. اهداف حداقل

- ایجاد دهلیز از منطقه "دانباس" (تحت کنترل روسیه) الی شبهه جزیره کریمیا؛

- تامین کنترل کامل بالای حوزه دانباس : دانیتسک و لوهانسک.

طوریکه دیده می شود در حال حاضر اهداف بخش سوم، حداقل، الی ۹۰ در صد عملی شده اند. عده ای از آگاهان امور به آن نظر اند که پیکن و واشنگتن در اصول با اجرای عملیات روسیه در شرق اوکراین مخالفت نداشتند؛ لیکن پیکن و واشنگتن تصور نمی نمودند که عملیات خاص تا این حد بطی پیش برود و آمادگی های

نظامی روسیه در سطح پائین قرار داشته باشد. اصولاً همه باور داشتند که عملیات سریع و حتی برق آسا خواهد بود و کار به اینجا نخواهد کشید.

طوری که قبلاً هم اشاره شد، موضعگیری سرسختانه و روحیات انتیکی - سائیکولوژیکی اوکرائینی ها درست و علمی مطالعه نشده بود. در نظر نگرفتن خصوصیات قومی و فرهنگی اوکرائینی ها مشکلات معینی را در راه تطبیق اهداف ستراتیژیک عملیات ایجاد کرد از جانب دیگر، غرب با حيله گری های معمول، تزویر آمیز و دوگانه در واقعیت روسیه را به یک نحوی برای شروع عملیات "تيله" می کرد.

در عین حال، نباید از یاد برد که غرب علاقمند پیروزی اوکرائین بالای روسیه در تقابل کنونی نظامی نیست. غربی ها، به اوکرائینی ها تا آن حد کمک خواهند رساند که بازنده معرکه نشود، لیکن موقع نمی دهند که اوکرائین پیروز شود. بین مصطلحات "نمی گذارد بازنده شود" و "پیروز معرکه گردد" تفاوت جدی وجود دارد.

به نظر می رسد که غرب در اوضاع و احوال به وجود آمده از سه روایت (باز هم مشروطاً) کار خواهد گرفت :
ول، روایت یا تجربه تاریخی کوریا- ایجاد خط فاصل و تامین آتش بس میان طرفها؛
دوم، بالفرض که اوکرائین در این تقابل پیروز شد، اروپا (بحث برتانیه و امریکا متفاوت است) چه به دست می آورد؟ به طور مثال، آیا پیروزی اوکرائین به نفع آلمان است؟ اوکرائینی که توانسته باشد کشور به توانمندی روسیه را مغلوب بسازد (چیزی که در حال حاضر بعید به نظر میرسد) دفعتاً به یک دولتی با قویترین، مجهزترین و آبدیده ترین اردو در سطح اروپا (با یک میلیون منسوب نظامی) مبدل می گردد. اوکرائین در صورت پیروزی در جنگ تن به هیچگونه خلع سلاح شدن نخواهد داد. علاوه بر کسب تجربه و ظرفیت حربی، این کشور جبران خساره فراوانی را نیز به دست خواهد آورد.

افزون بر آن، ایالات متحده امریکا، برتانیه کبیر، پولند و کشور های حوزه بالتیک به مثابه متحدین کلیدی اوکرائین در تقابل با روسیه، کنیف را تشویق و ترغیب خواهند نمود تا در مراحل اول اتحاد نظامی- اقتصادی را با پولند، دولت های بالتیک (لاتویا، لیتوانیا و استونیا) و حتی بیلاروس به میان بیاورد. پس از مغلوبیت احتمالی روسیه، حاکمیت موجود در بیلاروس فوراً رو به زوال گذاشته و فرو خواهد پاشید. شکی نیست که این اتحاد احتمالی با داشتن حمایت همه جانبه از طرف برتانیه و امریکا در سطح اروپا قویترین خواهد بود. سوال اینجاست که سایر کشور های مقتدر اروپائی از جمله آلمان، فرانسه، ایتالیا هسپانیه... وقوع همچو وضعیت و تغییر بنیادی را در سطح قاره ی اروپا می خواهند؟

جواب: به گمان قوی که نمی خواهند. بنابراین، کشور های مقتدر و تاثیر گذار اروپائی پیروزی اوکرائین را نمی خواهند. سوال دیگر :

آیا همین کشورها مغلوبیت اوکرائین را در تقابل کنونی با روسیه می خواهند؟ جواب باز هم نخیر است، چون نمی خواهند که روسیه برنده و اوکرائین بازنده باشد. اروپائی ها طرفدار تسخیر کامل اوکرائین توسط روسیه نیستند. بهترین (دلخوا ترین) نتیجه برای اروپایی ها در تقابل جاری، رساندن هر دو جانب به سطح فرسایش کامل و آغاز پروسه فروپاشی بعدی شان بر بنیاد برنامه های ستراتیژیک که اروپائی ها و امریکائی ها در سر دارند، می باشد. هرگاه مسکو و کنیف قبل از فرسایشی شدن اوضاع برای شان از اراده سیاسی کار بگیرند، از تقابل نظامی دست بکشند و در عقب میز مذاکره قرار بگیرند، این بهترین تصمیم خواهد بود که از اجرای برنامه های فرمانطقه ئی جلوگیری خواهد کرد.